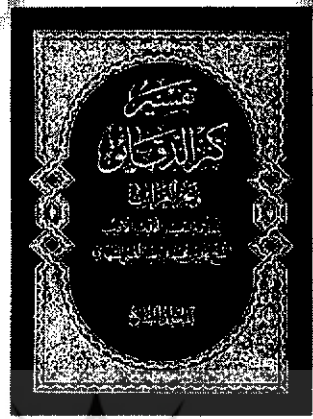


آثار و کتب کهنه کا اسرار

کلام اللہ

قرآن پڑھان



شرح حال میرزا محمد مشہدی قمی

نویسنده ی تفسیر «کنز الدقایق و بحر الغرائب»

عبدالله امینی

ولادت

ادیب، فقیہ، محدث، مفسر کبیر و عالم عارف شیخ میرزا محمد مشہدی بن محمد رضا بن اسماعیل بن جمال الدین قمی در حدود سال ۱۰۵۰، به دنیا آمد و در حدود ۱۱۳۵ وفات یافت. وی از محدثان قرن یازدهم به شمار می رود و به احتمال قریب به یقین، تا ربع اول قرن دوازدهم می زیسته است. ۱

استاد محمد رضا جلالی - در این باره - می گوید:

هیچ یک از شرح حال نگاران، تاریخ ولادت و وفات وی را ذکر نکرده اند، ولی به احتمال بسیار وی در سال ۱۰۵۰، به دنیا آمده است، زیرا شرح منظومه ی «انجاح المطالب» را - که در ۱۰۷۵ هـ. ق نوشته - در ۱۰۹۰، به فرزندش (اسماعیل) یاد داده است؛ و می بایست لااقل پانزده سال از عمر فرزندش گذشته باشد، تا بتواند این علوم را بیاموزد؛ بنابراین می توان گفت: فرزندش در سال ۱۰۷۵ به دنیا آمده است؛ و اگر پدر را در هنگام ولادت فرزند، دست کم بیست و پنج ساله بدانیم، باید گفت او در سال ۱۰۵۰ به دنیا آمده است. ۲

پیشانی
سال پنجم، شماره ۳۳
۳۰

نام نویسنده

نام وی - آن گونه که در برخی تألیفات خویش می نگارد - میرزا محمد است. ۳. علامه‌ی مجلسی و آقا جمال الدین خوانساری نیز - در تقریظی که بر تفسیر وی نگاشته‌اند - و کسانی دیگر - که شرح حال وی را نوشته‌اند - همچون شیخ حرّ عاملی (امل‌الآمل، ۲/۲۷۲) وافندی (ریاض‌العلماء) و نویسنده‌ی *روضات الجنّات* (۷/۱۱۰) و محقق نوری (الفیض القدسی در بحار الانوار، ۱۰۲/۱۰۰) و شیخ عباس قمی (فوائد الرضویة/۶۱۸) و سید محسن امین (اعیان‌الشیعه، ۹/۴۰۸) و آغا بزرگ تهرانی (الذریعه، ۱۸/۱۵۲ و ۳/۴۲۹) و نیز بغدادی (ایضاح‌المکنون، ۲/۳۱۵) او را به همین نام (میرزا محمد) یاد کرده‌اند؛ گو این که سید محسن امین در ابتدا از وی به «محمد رضا» نام برده، ولی در پایان گفته‌ی خویش، تصریح می‌کند: ظاهراً نام او «محمد» است. ۴.

القاب نویسنده

الف) مشهدی

نویسنده در مقدمه‌ای که بر تفسیر خود نگاشته، خود را به «مشهدی» توصیف می‌کند و می‌گوید: میرزا محمد مشهدی. ۵. پدر وی (محمد رضا) نیز به مشهدی معروف است، زیرا هر دو در همان جا به دنیا آمده و بالیده‌اند. این خانواده در مشهد سکونت داشته، از این رو به «مشهدی» اشتهار یافته‌اند. بی‌تردید حیات و فعالیت علمی میرزا محمد در مشهد سپری شده، بیش‌ترین آثار وی در آن سامان به رشته‌ی تحریر درآمده است. وی خود را «مشهدی مولداً و مسکناً» می‌نامد. ۶.

ب) قمی

اما گاه به لقب «قمی» از وی یاد کرده‌اند، هم چنان که او خود را در کتاب «انجاح المطالب» و «کاشف الغمّه» این گونه توصیف می‌کند: «محمد بن رضا القمی». در کتاب‌های دیگری وی، خود را به «محمد بن محمد رضا بن اسماعیل بن جمال الدین القمی» معرفی می‌کند.

روشن است، از آن رو که نیاکان وی از دیار قم بوده‌اند، نویسنده و پدرش را قمی، نامیده‌اند. میرزا محمد مشهدی گاه به صراحت این مطلب را ذکر می‌کند و می‌گوید: «القمی اصلاً». ممکن است پدر وی، مولا محمد رضا، از قم به مشهد مهاجرت کرده باشد، از این رو به آن دو - افزون بر قمی - مشهدی گفته‌اند؛ بنابراین سید محسن امین در ابتدا از وی به قمی یاد کرده، ولی در پایان می‌گوید: قمی الاصل بوده، در مشهد به دنیا آمده و مسکن گزیده است. ۷.

ج) خیاط

در وقف‌نامه‌ی تفسیر فارسی وی، با نام «تبیان سلیمانی» - که در کتاب‌خانه‌ی رضوی مشهد نگهداری می‌شود - و توسط دختر آن مرحوم اهدا شده، آمده است: «مرحوم مولانا میرزا محمد، مشهور به خیاط، مؤلف این کتاب».

د) میرزا

از او با این لقب بسیار یاد کرده‌اند، و او از خود بدین لقب، بسیار نام برده است؛ حتی علامه‌ی مجلسی و آقا جمال الدین خوانساری - در تقریظ خود بر تفسیر وی - او را به این لقب ذکر کرده‌اند.

این کلمه فارسی است و گاه به کسانی گفته می‌شود که مادرشان، سیده باشد؛ گاه نیز به امیرزادگان و فرزندان اشراف، میرزا گفته‌اند، گو این که به کاتبان و نویسندگان امیران نیز گفته شده است. در هر صورت از کسانی که دارای دانش بسیار و اخلاقی بزرگ منشانه - هم چون میرزا محمد - بوده‌اند، به میرزا یاد کرده‌اند.

ه) سنابادی

شیخ آغا بزرگ تهرانی می‌گوید:

شیخ لطف‌الله او را بدین لقب یاد کرده است. میرزا محمد مشهدی نسخه‌ای از «شرح شواهد ابن‌الناظم» را برای شیخ لطف‌الله تصحیح کرده و آن را با نسخه‌ای به خط مؤلف مقابله نموده، و در پایان آن نوشته است:

«در پانزدهم ماه رمضان ۱۰۸۷ از تصحیح فارغ شدم». وی این نسخه را به شیخ لطف‌الله بخشیده، او نیز در آخر کتاب - با خط زیبای ثلث - نوشته است:

«هو حسبی و کفی. هذا مما وکبه لی المولی الفاضل الکامل العلامه الفهامة المؤید المسدد مولانا محمد المشهدی السنابادی دام عزه و بقاؤه، و أنا داعیه... لطف‌الله». این نسخه نزد سید محمد جزائری است.^۸

شایسته‌ی یادآوری است: این نویسنده، هم‌نامی با اسم «میرمحمد مشهدی» (معز الدین امیر محمد بن ابی‌الحسن الموسوی المشهدی) دارد، که نباید با وی اشتباه شود. شرح حال «میر محمد مشهدی» در الذریعه (۶۰/۲۴) آمده است.

پدر

میرزا محمد در بسیاری از کتب - از جمله تفسیر خود - پدر را با نام «محمد رضا» یاد می‌کند. شرح حال نگاران نیز پدر وی را با همین نام می‌شناسند، ولی در برخی از آثار میرزا محمد - هم چون انجاح المطالب و کاشف الغمه - نام پدرش، «رضا» آمده است.

نویسنده‌ی امل‌الآمل و فوائد الرضویه نام پدر وی را رضا نوشته‌اند،^۹ ولی نویسنده‌ی کتاب اخیر نام پدر را تصحیح کرده و «محمد رضا» می‌نویسد.^{۱۰} نویسنده‌ی امل‌الآمل از آن رو نام پدر را، رضا نوشته، چون کتاب دیگری جز «انجاح المطالب» را ندیده است؛ و پیش‌تر گفتیم نام پدر میرزا محمد در این کتاب «رضا» است.

پدر میرزا محمد، شاگرد شیخ بهایی است. ملا عبدالله افندی، در شرح حال شیخ



منتجب الدین رازی می نویسد :

نسخه ای از کتاب «الفهرست» را به خط یکی از فضلا - گویا مولی محمد رضا مشهدی - که شاگرد شیخ بهایی است ، در تبریز دیدم .

این مطلب در روضات الجنات نیز نقل شده است . ۱۱

شیخ آغا بزرگ تهرانی در اعلام قرن یازدهم از وی چنین یاد می کند : محمد رضا مشهدی ، از شاگردان شیخ بهایی (م ۱۰۳۰) است .
در «مصقی المقال» آمده است :

مولی محمد رضا مشهدی از شاگردان شیخ بهایی است و نسخه ای از «فهرست منتجب الدین» را از روی نسخه ای که به خط پدر شیخ بهایی و با حواشی شیخ بهایی بوده ، نوشته است . ۱۲

استاد محمد رضا حسینی - پس از ذکر مطالب فوق - می افزاید :

سید عبدالعزیز طباطبایی نسخه ای از «خلاصة الاقوال فی الرجال» علامه ی حلی را دیده است که مولی محمد رضا مشهدی آن را دوبار برای شیخ بهایی خوانده ، شیخ بهایی در آن کتاب به او اجازه ای داده و نوشته است :

أما بعد الحمد والصلوة... فقد استخرتُ الله سبحانه ، وأجزتُ الأخ الأعز الفاضل التقى الذكى الزكى تاج الأتقياء و خلاصة الفضلاء مولانا محمد رضا المشهدى الخادم - أدام الله تعالى فضائله - أن يروى عني هذا الكتاب الشريف بسندی المتصل إلى مؤلفه شيخنا الأعظم آية الله العلامة - أحله الله دار الكرامة - وذلك بعد ما صرف - سلمه الله - جملةً من الأيام في تصحيحه و استكشاف مبهماته و تحقيق مستوراته . وكذلك أجزتُ له مُدَّتْ أيام إفضاله - أن يروى كتاب الفهرست لشيخ الطائفة و سراج الأمة - قدس سره ؛ و كتاب الرجال للشيخ الأفاضل ثقة الدين الحسن بن داود - طاب ثراه ؛ و فهرست النجاشي - رحمه الله ، بطرقى المتصلة بهم . فليرو ذلك لمن شاء و أحبّ و المأمول أن لا ينساني من صالح الدعوات في مظان الإنابة .

حرره الفقير الى الله تعالى محمد المشتهر ببهاء الدين العاملى فى قم المحروسة ، سنة ألف وست ، حامداً مصلياً مسلماً . و قد قرأ على الأخ الأعز الفاضل المشار اليه هذا الكتاب مرة ثالثة ، و كان الفراغ من قراءته فى العشر الثالث من الشهر الثانى من السنة السادسة عشر بعد الألف . تاريخ اين نسخه ، هيجهدهى رجب ۱۰۰۶ هـ . ق است و ثابت می کند : پدر میرزا از یاران و شاگردان شیخ بهایی بوده ، در آن زمان در شهر مشهد می زیسته و خادم آستان قدس رضوی بوده است . شیخ بهایی چنان به مولی محمد رضا (پدر میرزا محمد) علاقه مند بوده که از وی به : برادر عزیز ، فاضل متقی ، پاک و وارسته ، تاج پرهیزگاران و خلاصه ی فضلا یاد می کند .

مولی محمد رضا می بایست بسیار عالم و فاضل باشد که افزون بر قرائت کتاب «خلاصة الأقوال»

برای شیخ بهایی ، از او اجازه ی روایت این کتاب و دیگر کتب رجالی را دریافت کند . ۱۳

برادر و فرزندان

همان گونه که پیش تر اشاره شد وقف نامه‌ی تفسیر فارسی وی (تبیان سلیمانی) توسط دخترش نوشته شده، قطعاً یکی از اولاد ذکور او (اسماعیل) نزد پدر درس خوانده است. از این رو معلوم می شود فرزندان میرزا محمد، اهل فضل و دانش بوده اند. جالب است که از میان فرزندان میرزا محمد، دخترش تفسیر پدر را وقف کرده، وقف نامه‌ی آن را نیز نوشته است. معمولاً این گونه امور به دست پسران، آن هم ارشد و اصلح و اعلم آن ها صورت می گیرد. این عمل ثابت می کند دختر میرزا محمد، نه تنها از فضل و دانش بهره مند بوده، بلکه بر برادران برتری و تفوق داشته است. به هر روی فرزندان وی عبارتند از:

۱. اسماعیل

این شخص همانی است که پدر، شرح منظومه‌ی صرفی با نام «فوائد الشارح» را برای او نوشته است. اسماعیل این منظومه را نزد پدر - در سال ۱۰۹۰ - آموخته است.

۲. محمدرضا

در کتابخانه‌ی ملک تهران، نسخه‌ای فارسی به شماره‌ی ۷۹۲ است که در برگزیده‌ی رساله‌ای با نام «ترجمه‌ی حدیث الغمامة والوسادة» است. در آغاز این رساله آمده است:

این رساله مشتمل بر دو حدیث است که دلالت بر فضل سید اسماعیل حمیری و شرح قصیده‌ی وی دارد. مترجم این قصیده - که آن را به صورت مختصر توضیح داده - خادم دوست داران علی بن ابی طالب علیه السلام محمدرضا بن میرزا محمد بن محمدرضا بن اسماعیل قمی الأصل و مشهدی المولد و المسکن است. (با تصرف)

تاریخ این رساله جمادی الآخر سال ۱۱۲۳ هـ. ق. است. ۱۴

شیخ آغا بزرگ تهرانی در طبقات می گوید:

وی در مشهد رضوی و در ۱۱۳۵ هـ. ق. مدرس بوده، سید شمس الدین محمد رضوی در کتاب «وسيلة الرضوان» شماری از کرامات وی را ذکر می کند و او را به «فضائل مآب علایی» می ستاید. ظاهراً وی در آستان قدس ضوی نایب سرکشیک بوده است. ۱۵

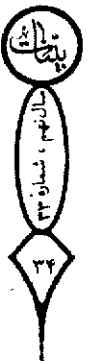
۳. میرزا محمد ابراهیم

شیخ آغا بزرگ تهرانی در طبقات می گوید:

میرزا محمد ابراهیم بن میرزا محمد مشهدی، نسخه‌ای از «رجال الکبیر» میرزا استرآبادی را در سال ۱۱۳۸ مالک بوده، آن را تصحیح و مقابله کرده است. ۱۶

استاد محمدرضا حسینی می گوید:

در نسخه‌ای از «کنز الدقایق»، که به شماره‌ی ۱۰۵۴ در کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی موجود است، در حاشیه‌ی صفحه‌ی چهار، تعلیقه‌ای منقول از رجال استرآبادی دیدم که از



آن میرزا محمد ابراهیم است. ۱۷.

۴. دختر میرزا محمد

پیش تر گفتیم وی قسمتی از تفسیر فارسی پدر را با نام «تبیان سلیمانی»، برای ساکنان مشهد مقدس رضوی وقف کرده، تاریخ ۱۱۱۱ ه. ق. بر آن مکتوب است. شماره‌ی این نسخه در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، ۹۴۳۹ است. این نسخه، ربع سوم تفسیر وی است. ۱۸.

۵. برادر میرزا محمد

وی محمد صالح نام داشته، شیخ آغا بزرگ تهرانی درباره‌ی وی می‌گوید:
مولی محمد صالح بن مولی محمد رضا مشهدی، قواعد علامه را به خط خویش نوشته، این نسخه نزد سید محمد مهدی صدر است.

وی می‌افزاید:

مجموعه‌ای از رسائل آقارضا قزوینی، صاحب «لسان الخواص» به خط وی است، که آن را در سال ۱۱۰۰ نوشته و نزد حاج سید نصرالله اخروی در تهران است. ۱۹.

استادان

از استادان وی، در آغاز تحصیل و فراگیری علوم دینی، شرح حال نگاران چیزی ننوشته‌اند. نویسنده‌ی *روضات الجنات* در شرح حال وی می‌نگارد:

او از علمای معاصر محقق سبزواری (م ۱۰۹۰) و علامه‌ی مجلسی (م ۱۱۱۰) و مولانا فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) بود و بعید نیست از شمار شاگردان ملا محسن کاشانی و دارای اجازه از وی باشد، گو این که این مطلب در هیچ کتاب یا اجازه‌نامه‌ای نیامده است. ۲۰.
آیت‌الله معرفت معتقد است:

یکی از استادان میرزا محمد مشهدی، مولی محسن فیض کاشانی، نویسنده‌ی تفسیر صافی است؛ از این رو میرزا محمد در شیوه‌ی نگارش تفسیر خود، متأثر از استاد است. یعنی همچون وی از احادیث برای تفسیر و توضیح معنای آیات بسیار بهره برده است. گو این که مرحوم فیض، آرای عقلی و نقلی را به هم آمیخته است. وی تأویلات عقلی قریب یا بعیدالمحتملی را همراه با احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آورده است. این امر به وضوح در تفسیر شاگرد (= میرزا محمد مشهدی) مشهود است. ۲۱.

نویسنده‌ی *منتخب التواریخ* می‌نویسد:

دهم از علمای خراسان از شمار عرفا و صوفیه، جناب شیخ میرزا محمد مشهدی طوسی،

صاحب تفسیر «کنز الحقایق و بحر الدقایق» ابن مولانا اسماعیل است، که از شاگردان مرحوم فیض بود، و ما از تاریخ ولادت و وفات و محل دفن او چیزی نمی دانیم (نقل به مضمون).

البته نویسنده‌ی منتخب التواریخ، نام پدر و جد میرزا محمد، و نیز اسم تفسیر وی را به اشتباه ذکر، و فراموش می کند که در صفحه‌ی ۶۷۹ گفته است: وی در حمله‌ی افغانه به اصفهان، کشته شد و همان جا دفن گردید. البته وی هیچ سند و مدرکی برای اثبات این موضوع ذکر نمی کند. از دیگر استادان میرزا محمد، عبدالعلی بن جمعه حویزی (م ۱۰۵۳) است. وی نویسنده‌ی تفسیر «نور الثقلین» است، که به طریقه‌ی مأثور (تفسیر آیات با احادیث) نوشته شده است. ۲۲. سومین استاد وی را، علامه‌ی مجلسی - نویسنده‌ی بحار الانوار - دانسته اند. شیخ عباس قمی می نویسد:

این عالم جلیل از شاگردان علامه‌ی مجلسی است و علامه‌ی مذکور ثنای بلیغی از او و از تفسیر او نموده و او را اجازه داده است. ۲۳.

استاد محمد رضا حسینی معتقد است:

بعید نیست میرزا محمد نزد علامه‌ی مجلسی رفته باشد، اگر بپذیریم وی به اصفهان رفته و با علامه ارتباط برقرار کرده باشد. می دانیم علامه‌ی مجلسی بر تفسیر میرزا محمد در سال ۱۱۰۲ تقریظ نوشته، بسیار مدح و ثنای او را گفته است. این مطلب ثابت می کند میرزا محمد مدت‌های بسیار با علامه‌ی مجلسی ارتباط داشته، علامه‌ی مجلسی پس از امتحان و آزمایش علمی، وی را ستوده است. از این رو می توان گفت لااقل وی از ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۷ یا ۱۱۱۰ - که سال وفات علامه‌ی مجلسی است - با استاد خود (علامه‌ی مجلسی) مرابده داشته است. ۲۴. سید محسن امین ۲۵ و آغا بزرگ تهرانی ۲۶ وی را از جمله‌ی شاگردان علامه‌ی مجلسی می دانند. شیخ آغا بزرگ می افزاید: وی از علامه‌ی مجلسی دارای اجازه‌ی، به تاریخ ۱۱۰۲، است. ۲۷. محقق نوری می گوید: این اجازه را همراه با تقریظ علامه‌ی مجلسی در تفسیر کنز الدقایق دیده ام. ۲۸. برخی هم چون استاد حسین درگاهی ۲۹ معتقدند وی نه شاگرد و نه دارای اجازه از علامه مجلسی بوده است. برخی معتقدند میرزا محمد مشهدی از محقق سبزواری - صاحب الکفایه فی الفقه - نیز صاحب اجازه بوده، گو این که مدرکی در این باره در دست نیست. ۳۰. از دیگر معاصران وی می توان از ملاخلیل قزوینی صاحب شرح عده الاصول و کافی نام برد.

شاگردان

متأسفانه در هیچ یک از کتب تراجم، ذکری از شاگردان وی نشده است. آیت الله معرفت

در مقدمه‌ای که بر تفسیر وی نگاشته است، می‌نویسد:

مؤلف در شرحی که بر منظومه‌ای صرفی نگاشته، می‌گوید: آن را به فرزندش اسماعیل درس داده است. ۳۱

از این رو می‌توان فهمید وی افزون بر تألیف، به تدریس نیز اشتغال داشته، از جمله شاگردان او، فرزندش بوده است.

تألیفات

میرزا محمد مهدی در حفظ و بالندگی میراث فرهنگی با به کارگیری توانایی‌های علمی خویش نقش ارزنده‌ای داشته است. وی بیشتر تألیفات خود را بین سال‌های ۱۰۷۴ تا ۱۱۰۷ نوشته است. آیت‌الله معرفت در این باره می‌نویسد:

پس از سال ۱۱۰۲ از وی نوشته‌ای با تعیین تاریخ کتابت نمی‌یابیم. شاید بتوان گفت ربع پایانی قرن یازدهم، بهترین ایام زندگی علمی و ثمربخش وی بوده است، ولی باید دانست دو کتاب «سَلَمُ الدَّرَجَاتِ» و «التَّحْفَةُ الْحُسَيْنِيَّةُ» در زمان شاه حسین صفوی (۱۱۰۷-۱۱۳۵) نگارش شده، بنابراین فهمیده می‌شود وی پس از ۱۱۰۲ نیز هنوز کتاب نوشته است. ۳۲

به هر روی، آثار قلمی وی عبارت است از:

۱. انجاح المطالب في الفوز بالمآرب

این کتاب شرحی منظوم - با صد بیت - بر منظومه‌ی بلاغی، محمد بن محمد بن محمود، ابوالولید، محب‌الدین، معروف به ابن سُخْنَه‌ی حنفی (م ۸۱۵) است. تاریخ نگارش این ارجوزه‌ی لطیف که در سلاله نظم و بی‌هیچ‌گره‌ای است، ۲۹ رمضان ۱۰۷۴ هـ. ق، و در علوم بلاغت، معانی، بیان و بدیع است. ۳۳

نویسنده‌ی اصل‌الآمل ۳۴ و روضات‌الجَنَاتِ ۳۵ و الفوائد‌الرضویة ۳۶ از این کتاب به «نجاح المطالب» یاد کرده‌اند، که صحیح نمی‌باشد.

نسخه‌ای خطی از این ارجوزه در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی - به شماره‌ی ۱۵۸۷ - و دو نسخه‌ی دیگر در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی - به شماره‌ی ۳۹۸۵ و ۴۰۳۵ - وجود دارد، که شیخ‌آغا بزرگ تهرانی آن‌ها را دیده است. این ارجوزه با تحقیق استاد محمد رضا حسینی و با مقابله‌ی نسخ موجود، در مجله‌ی تراثا، شماره‌ی ۲۵ به چاپ رسیده است، گو این‌که پیش‌تر در ضمن مجموعه‌ای از منظومات مختصر با نام «صراط‌الجَنه» و «عقود‌الجمان»، در ۱۳۰۰ به چاپ رسیده است. ارجوزه‌ی «صراط‌الجَنه» در علم کلام و از آن مولی علی نقی گنابادی، و منظومه‌ی «عقود‌الجمان»، الفیه‌ای در معانی و بیان و از آن جلال‌الدین سیوطی است.

۲. کاشف الغمّه فی تاریخ الائمه

این کتاب، رساله‌ای مختصر درباره‌ی تاریخ ائمه‌ی معصوم علیهم‌السلام و در بردارنده‌ی یک مقدمه و چهارده مقاله است، که نگارش آن در شب شانزدهم ربیع الاول ۱۰۷۵ به پایان رسیده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی - به شماره‌ی ۲۰۰۰- موجود است. ۳۷

در این کتاب، از کتابی دیگر - نوشته‌ی مؤلف - با نام «مراصد العصمة و الضلالة» نام برده شده است.

۳. تبیان سلیمانی

پیش‌تر گفتیم این کتاب، تفسیری به زبان فارسی و منقول از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. جلد اول این تفسیر در نیمه‌ی رجب ۱۰۸۵ به پایان رسیده و دو جلد از آن در کتابخانه‌ی رضوی مشهد موجود است.

الف) از ابتدای قرآن تا سوره‌ی مائده، به خط مؤلف و به شماره‌ی ۹۴۳۸؛

ب) از آیه‌ی ۹۵ سوره‌ی توبه تا آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی عنکبوت، به تاریخ ۱۱۱۱.

این همان نسخه‌ای است که گفتیم توسط دختر میرزا محمد وقف شده است.

میرزا محمد در تفسیر کنزالدقایق، ذیل آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی بقره، از این تفسیر نام می‌برد. ۳۸
۴. رساله فی الوجود

این رساله به فارسی و در سال ۱۰۸۵ نوشته شده است. شیخ آغا بزرگ تهرانی می‌نویسد: این رساله، ردی بر مولی رجب علی (م ۱۰۶۵ یا ۱۰۸۰) و کتاب وی با نام «اشتراک اللفظی

و المعنوی فی الوجود» است. ۳۹

۵. سته‌ی ضروریه

این کتاب رساله‌ی مختصر به فارسی و درباره‌ی امامت است، که مؤلف آن را به اسم سلطان حسین صفوی نوشته است. نسخه‌ی خطی این کتاب در کتابخانه‌ی امام رضا علیه‌السلام در مشهد، به شماره‌ی ۱۴۳ موجود است، ولی اسم کاتب و تاریخ کتابت ندارد و تاریخ وقف آن ۱۱۴۵ هجری است. ۴۰

۶. معاد و حشر اجساد

این کتاب به فارسی و درباره‌ی معاد و حشر ارواح و اجساد و معنی ایمان و کفر است. آغا بزرگ تهرانی می‌گوید: آن را به نام سلطان سلیمان صفوی (م ۱۱۰۵) تالیف کرده است. ۴۱

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی در ۲۶۲ صفحه و به شماره‌ی

۵۶۷۳ موجود است. ۴۲

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی



۷. شرح زیارت رجبیه

این کتاب نیز به فارسی در سال ۱۰۸۷ نوشته شده است. سند این شرح - آن گونه که مؤلف می‌گوید - به شیخ حسین بن روح نوبختی، می‌رسد.

شیوه‌ی شرح این زیارت بدین صورت است که میرزا محمد مشهدی در ابتدا اعراب، سپس لغت و پس از آن ترجمه و معنا را ذکر می‌کند. ۴۳

۸. شرح صحیفه‌ی سجاده

این کتاب شرح مختصری بر صحیفه بوده، شروع نگارش آن اول ماه رمضان ۱۰۹۰ و پایان آن هشتم شوال همان سال - و شاید به خط مؤلف - است. ۴۴

۹. الفوائد الشارحة لمشكلات المنظومة الصرفية الموسومة بـ «التصریف فی نظم التصریف منظومه‌ی صرفی مذکور در پانصد بیت - به جز مقدمه و خطبه - و از آن شیخ عبدالرحمن بن عیسی بن مرشد حنفی، مفتی حرم (م ۱۰۳۷) است، که آن را در سال ۱۰۰۰ سروده است. میرزا محمد مشهدی این ارجوزه را به فرزندش (اسماعیل) درس داده، در روز سه شنبه، پنج جمادی الآخر ۱۰۹۰ شرح آن را - نزدیک به ده هزار بیت - به انجام رسانده است. ۴۵ در اصطلاح مؤلفان پیشین، هر بیت عبارت از سطر است که از پنجاه حرف تشکیل می‌شود.

۱۰. تحفة الحسینیة

این کتاب به فارسی و در اعمال و آداب نماز و وصیت و ادعیه و اذکار است، و به «اعمال السنّة» معروف است. نویسنده‌ی روضات الجنات، نگارش این کتاب را لطیف و پرفایده می‌داند. این کتاب در زمان شاه حسین صفوی و پس از ۱۱۰۶ نوشته شده است. کتاب حاوی مقدمه، هفت فصل و خاتمه است. ۴۶

۱۱. رساله‌ای در احکام صید و ذبح

سید محسن امین می‌گوید: این رساله، کتابی بزرگ و استدلالی و به زبان عربی است، ۴۷ ولی شیخ عباس قمی از آن به رساله‌ای (کتابچه‌ای) در احکام صید و ذبایح یاد می‌کند. ۴۸

۱۲. جواب اعتراضات علمای ماوراء النهر علی الشیعه

این کتاب، پاسخ و ردّ شبهات به مذهب تشیع است. ۴۹ تمامی آن در «مطلع الشمس» محمد حسن خان مراغی آورده شده است. ۵۰

۱۳. سلّم درجات الجنّه فی معرفة فضائل ابی الأئمة

این کتاب درباره‌ی فضایل مولا علی علیه السلام و به زبان فارسی است و به شاه حسین صفوی اهدا شده است. این کتاب، ترجمه‌ی چهل حدیث و مترتب بر مقدمه‌ای است. ۵۱ تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۵۵ است.

۱۴. حاشیه بر تفسیر کشاف زمخشری

مؤلف در آغاز تفسیر خود (کنز الدقایق) به این اثر اشاره می کند. ۵۲

۱۵. حاشیه بر حواشی شیخ بهایی بر تفسیر بیضاوی

مؤلف در ابتدای تفسیر خود (کنز الدقایق) به این اثر اشاره می کند. ۵۳

۱۶. تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرائب

این تفسیر بزرگ، حاصل تفاسیر اصلی و پیشین شیعی و در نوع خود بی نظیر است و در بردارنده‌ی آرای برتر و اقوال برگزیده است. ترتیب و تبویب این تفسیر به شیوه‌ی مجمع البیان طبرسی است و علامه‌ی مجلسی این تفسیر را در بر دارنده‌ی خیر الأقوال و احسن الآثار می داند و سید محسن امین می نویسد:

نسخه‌ی مخطوط و بزرگی از کتاب کنز الدقایق را دیدم که بر پشت آن آقا جمال الدین خوانساری نوشته بود: خدای متعال به فضل کامل خویش تأیید کند جناب مولی عالم عارف نورانی فاضل، مجمع فضایل نیکو، جامع جوامع علوم و حکم، عالم معالم تنزیل و انوار آن، عارف معارف تأویل و اسرار آن، حلال هر شبهه‌ی عارض، کشاف هر مسأله‌ی دقیق و غامض را، که بازبانه‌ی طبع سوزانش خارهای شک و شبهات را سوزانده و با ذهن نقادش احکام شرعی مستفاد از آیات و روایات را نقد کرده است؛ مقصودم از این شخص، مکرم به کرامت خداوند احد صمد، مولانا میرزا محمد است. خداوند در هر بابی او را یاری کند و به او ثواب جزیل دهد.

این تقریظ در ماه محرم ۱۱۰۷ نوشته شده است... علامه‌ی مجلسی در یادداشتی نویسنده‌ی این تفسیر را فاضلی کامل، محقق ذرف اندیش، فهمنده‌ی معانی دقیق و بیرون آورنده‌ی جواهر حقایق به وسیله‌ی رأی صائب می داند و می نویسد: فلقد أحسن و أتقن و أفاد و أجاد و فسّر الآيات البينات بالأثار المروية عن الأئمة الأطياب. فامتاز من القشر اللباب و جمع بین السنّة و الكتاب و بذل جهده فی استخراج ما تعلق بذلک من الأخبار و ضمّ إليها لطائف المعانی و الأسرار.

و نیز می افزاید:

از یادداشتی که دو تن از شخصیت‌های بزرگ بر این تفسیر نوشته‌اند، ارزش و جایگاه رفیع آن شناخته می شود، که چگونه محققانه و دقیق و باگردآوری آرا و اقوال نگاشته شده است، هم چنان که بزرگ منشی مؤلف و موقعیت عالی او در علم و ادب و فضیلت فهمیده می شود. اگر ما به تفسیر مراجعه کنیم، به همین نتیجه می رسیم. نویسنده -رحمه الله- به کتب اصلی تفسیر و حدیث و نیز کتاب‌های ادبی و بیان مراجعه کرده، با فهم دقیق و پژوهش محققانه‌ی خویش و با دانش ادبی و لغوی و فقهی و تفسیری و حدیثی و کلامی و فلسفی خویش، آرا

و گفته‌ها را به دست آورده و نقل کرده است، و این مصداق آیه ی الذین یستمعون القول
فیتبعون احسنه (زمر، ۱۸/۳۹) است. ۵۴

شیخ آغا بزرگ تهرانی درباره‌ی این تفسیر می‌نویسد:

این تفسیر - همانند تفسیر نورالثقلین - بسنده به آن چه از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده، کرده است، ولی از برخی جهات برتر از تفسیر نور الثقلین است، زیرا سند احادیث را ذکر کرده، ربط آیات و اعراب را بیان نموده است. گویا این تفسیر برگرفته از نور الثقلین است، ولی مطالبی زیاده‌تر از آن دارد؛ از این رو بزرگ‌تر از نور الثقلین است و گاه آرای مخالف با آن دارد. ۵۵
محقق نوری عقیده دارد:

این تفسیر از بهترین و کامل‌ترین و سودمندترین تفاسیر است. ۵۶
آیت الله معرفت معتقد است:

این تفسیر جامع و کامل و بی‌نیاز کننده از دیگر تفسیرهاست. ۵۷
شیخ عباس قمی می‌گوید:

این تفسیر، احسن تفاسیر و اجمع و اتم از همه است و انفع است از تفسیر صافی و نورالثقلین. ۵۸

نویسنده‌ی روضات الجنات درباره‌ی این تفسیر می‌نویسد:

میرزا محمد کتاب بزرگی در تفسیر دارد که از احادیث اهل بیت عصمت استفاده کرده است. هیچ کس پیش از او مانند چنین تفسیری را ننوشته است. این تفسیر برتر از تفسیر نورالثقلین است، زیرا سند احادیث و سخنان پس از آیات را ذکر کرده، مشکلات الفاظ آیات و اعراب را تبیین نموده است. وی به بیان لغت و قرائات نیز پرداخته است. ۵۹
خود نویسنده (میرزا محمد مشهدی) در مقدمه‌ی تفسیر می‌نویسد:

اولین چیزی که عمر خود را صرف آن کردم... علم تفسیر بود، که رئیس علوم دینی است... پیش از این حواشی بر تفسیر مشهور علامه‌ی زمخشری، سپس بر حاشیه‌ی علامه‌ی بهاء‌الدین عاملی نوشته بودم... ولی به فکرم رسید تفسیری بنگارم که در بردارنده‌ی دقایق اسرار تنزیل و نکات بکر تأویل، همراه با نقل روایات و تأویلات ائمه اطهار علیهم‌السلام باشد، قصد این است که پس از اتمام این تفسیر، آن را «کنزالدقایق و بحر الغرائب [گنجینه‌ی نکات دقیق و دریای شگفتی‌ها] بنامم، تا عنوان آن با محتوایش مطابقت داشته باشد. ۶۰

این تفسیر جامع و کبیر و در رشته‌ی خود بی‌نظیر، و در بردارنده‌ی احادیث معصومان درباره‌ی هر آیه، قرائات مختلف و شأن نزول آیات و اعراب آن بوده، نیز همراه با توضیح لغات مشکل و دقایق ادبی است. هم‌چنان که آرای فلسفی و عرفانی درباره‌ی آیات را در بر دارد و

تفاسیر نادر را نقل نکرده است. (نقل به مضمون) ۶۱

این تفسیر بین سال‌های ۱۰۹۴-۱۱۰۳ و به زبان عربی در چهار مجلد قطور نوشته شده است. این تفسیر در برخی منابع با نام «کنز الحقایق و بحر الغرائب» ۶۲ و «کنز الغرائب و بحر الدقایق» ۶۳ و «کنز العرفان» ۶۴ و سرانجام «کنز الدقایق و بحر الغرائب البطائق» آمده است. ۶۵

استاد محمّد رضا جلالی در توضیح نام اخیر می‌گوید:

کلمه «البطائق» معنایی ندارد و احتمالاً «لیطابق» است که در مقدمه‌ی مؤلف وجود دارد.

وی می‌افزاید:

اما این که گفته‌اند این تفسیر، بهترین تفسیر است، زیرا احادیث آن مستند است، باید گفت در سراسر تفسیر چنین چیزی وجود ندارد و بسیاری از احادیث موجود در این تفسیر، مرسل یا سند آن حذف شده است. در مقایسه‌ی با این امر (ذکر سند روایات) تفسیر «البرهان» بحرانی بهتر می‌نماید، افزون بر آن بحرانی در حدیث متخصص بوده، در آن زمینه تألیفات بسیاری دارد. ۶۶

استاد حسین درگاهی - محقق تفسیر مذکور - می‌گوید:

آنچه که او در این تفسیر گفته و آورده - به تفکیک مباحث - از قرار ذیل است:

۱. قرائت؛
۲. وجوه اعراب الفاظ و جملات؛
۳. سایر بحث‌های صرفی و نحوی و معانی و بیانی، به مقدار ضرورت مقام؛
۴. ربط الفاظ و آیات به یکدیگر؛
۵. نقل و نقد اقوال دیگران در زمینه‌ی مباحث خود مفسر؛
۶. نشان دادن صحّت بعضی از آن اقوال در موافقت آن قول با روایات وارده از ناحیه‌ی مقدسه‌ی معصومان؛
۷. بحث مستوفی در شناخت لغات و الفاظ و مفردات؛ او بعضاً در این زمینه مطالبی را گوشزد می‌کند که نشان دهنده‌ی صاحب نظر بودن او در واژه‌شناسی و مشی وی در آن است، مثل عدم تغییر معنای کلمه‌ی جامد، با به هم ریختن حروف آن.
۸. نقل روایات وارده در ذیل آیات.

در بحث‌های ادبی بیش‌ترین استفاده را از «انوار التنزیل» بیضاوی می‌کند و سپس از تفاسیر دیگری مانند کشاف و مجمع‌البیان، ولی در این استفاده، به نقل تنها قناعت نکرده، بلکه آنها را بسط و تفصیل داده و یا تکمیل و پخته‌تر می‌کند، و بعضاً نیز نظریات آنها را نپذیرفته و دست به نقد آنها می‌زند.

دیگر این که مفسر - بعضاً - در تکمیل مطالب خود، نقلی از اقوال صوفیه می‌کند، اما با

عباراتی که دائر بر اعتقاد او به بطلان آنهاست، از آنها می‌گذرد، گویا که بطلان اعتقادات آنان را واضح‌تر از آن می‌داند که نیازی به بررسی داشته باشد، ولی با این همه او اقوالی را از بعضی فضلا- به تعبیر خودش- نقل می‌کند که در آن ذوق عرفانی اصطلاحی به روشنی پیداست.

در قسمت روایات، حق همان است که صاحب روضات و صاحب الدرعیه فرموده‌اند: آنچه که در تفسیر نورالثقلین آمده، در این تفسیر نیز هست، به اضافی اسانید آن روایات. در ضمن در نورالثقلین از تفسیری مانند «شرح الآيات الباهرة» نقل نشده، ولی مفسر ما این استفاده را از آن تفسیر برده است.

ظن قوی نگارنده بر آن است که مفسر بعد از اتمام ربع اول تفسیر خود، آن را عمدتاً با استفاده از تفسیر نورالثقلین و تفسیر «تأویل الآيات الباهرة» تکمیل کرده است. ۶۷
این تفسیر توسط انتشارات جامعه‌ی مدرسین در سال ۱۴۰۶ هـ. ق و بار دیگر توسط وزارت ارشاد در همان سال به چاپ رسیده است.

۱۷. شرح شواهد ابن الناطم

در پایان باید یادآور شد میرزا محمد مشهدی در پانزدهم رمضان ۱۰۸۷ شرح شواهد ابن الناطم را تصحیح کرده است. ۶۸

مشی اعتقادی میرزا محمد

استاد حسین درگاهی در این باره می‌نویسد:

توجهی به آثارش، شاید کمکی به تفصیل یافتن این اجمال بکند که: «إن آثارنا تدلّ علینا، و به این ترتیب، مشی و مشرب اعتقادی و فکری و ذوقی و مهارت‌های علمی او را نمایان‌تر می‌کند: [پیروی از ائمه معصومین (ع)]:

یکی از آثار او «سته‌ی ضروریه» است. وی در مقدمه‌ی رابعه [چهارم] آن می‌گوید:

پس لازم باشد بر هر کسی که آن قدر سعی نماید که کتاب خدا و احادیث رسول و ائمه را تتبع نماید، به قدری که علم به کیفیت عمل از کلام ایشان حاصل نماید.

در مقدمه‌ی خامسه می‌گوید:

از تقریر سابق معلوم شد که بر هر مکلف لازم است که سعی نماید قول خدا و رسول را بفهمد و به آن عمل کند و تقلید غیر معصوم نکند و اگر سعی نکند، مؤاخذ خواهد شد و اعمال او باطل خواهد بود.

[ناسازگاری با صوفیان]

او اگرچه ادیب است و طبعاً اهل ذوق، ولی با این همه متناسب با مشرب اعتقادی خاصی

که در دو بند اخیر نشانه های آن گذشت، سر سازگاری با صوفیه را ندارد. در تفسیر آیه ی شریفه ی
اهدنا الصراط المستقیم (فاتحه، ۱/۶) بعد از نقل قولی از صوفیه می گوید:

و لایخفی علیک أن هذا و ما سبق من التأویل و ما سیأتی منه مبنی علی ما ذهب الیه الصوفیة
من الأصول الفاسدة و الغرض من نقله الإطلاع علی إفساده؛ برتو مخفی نماند که این مطلب
و تأویل پیشین و آن چه خواهد آمد، مبنی بر مذهب صوفیه و اصول فاسد آنان است. هدف
از نقل این مطلب، آگاهی از فساد آن است.

در تفسیر آیه ی شریفه ی و من الناس من یقول آمناً... (بقره، ۲/۸) باز بعد از نقل قولی از آن ها
می گوید:

و الغرض من أمثال هذه المباحث الإطلاع علی الآراء الكاسدة و الأهواء المضلّة فإن الحق
یعرف بضده؛ هدف از امثال این مباحث، اطلاع بر آرای فرومایه و هواهای گمراه کننده است،
زیرا که حق با ضدش شناخته می شود. ۶۹

[پیروی از شیوه ی علمای شیعه]

وی در دیباچه ی جزء اول تفسیر روایی فارسی خود (تبیان سلیمانی) می نگارند:

اما بعد، این فقیر حقیر کثیر التقصیر، احقر عباد الله القدر، میرزا محمد بن رضا القمی
- أحسن الله أحوالهما - چون مدتی بود که در خاطر داشت تفسیری به زبان فارسی که موافق
احادیث ائمه علیهم السلام و طرق علمای شیعه رضوان الله علیهم بوده باشد، در سمط تحریر و سلک
تقریر منتظم سازد... ۷۰

[سعی در آگاه کردن مردم]

وی در مقدمه ی نسخه ی خطی «سته ی ضروریه» می نویسد:

اما بعد چنین گوید فقیر حقیر میرزا محمد بن القمی اصلاً، المشهدی مولدأ و مسکنأ که:
این چند مسأله است که به اعتقاد فقیر مبنای ایمان است و به گوش خاص و عام رسانید آن
لازم... آن مسائل رابه زبان فارسی کرد که همه کس بفهمند. بیان نمود، تا موالیان امیر المؤمنین
منتفع گردند و ثواب آن به روزگار فرخنده ی آثار آن نامدار [شاه سلطان حسین صفوی] عاید
شود، و آن بیان مشتمل است بر شش مقدمه، که در هر مقدمه بیان شده امری که مبنای
بسیاری از قواعد دین است و ضروری [ی] است که هر مکلف او را بداند. و از این جهت به

رساله ی «سته ی ضروریه» مسمی گردید. و الله الموفق و المعین. ۷۱.



نظر علما درباره میرزا محمد مشهدی

بهرتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

اگر به کلمات و عبارات شرح حال نگاران و علما و مشاهیر شیعه درباره ی میرزا محمد مشهدی نظر کنیم، درمی یابیم وی از جایگاهی رفیع و موقعیتی نیکو نزد همگان برخوردار است. پیش تر با برخی از این نظریات آشنا شدیم. اینک به طرح دیدگاه بعضی دیگر از نام وران اسلامی می پردازیم:

نویسنده ی *روضات الجنات* درباره ی وی می گوید:

فاضل محدث متبحر ثقه ی جلیل امامی مولی میرزا محمد. ۷۲

[وی می افزاید]:

او [میرزا محمد] فاضل، عالم، عامل، جامع، ادیب، محدث، فقیه، مفسر، آگاه، موثق و مورد احترام بود. ۷۳

محقق نوری - نویسنده *الفیض القدسی* - می نویسد:

عالم جلیل، مفسر دانا، متبحر فاضل و بسیار آگاه، بر پشت تفسیر وی مدح بسیار و ثنای بلیغی از علامه ی مجلسی درباره ی وی و تفسیرش دیدم. ۷۴

نویسنده ی *ریحانة الادب* معتقد است:

او عالمی عامل و جامع و ادیب و فاضل و بارع و فقیه و مفسر و محدث مورد اطمینان و از اعظام علمای زمان مجلسی و محقق سبزواری (م ۱۰۹۰) و فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) بود. ۷۵

شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، نویسنده ی *امل الامل* در مورد او می نویسد: مولانا میرزا محمد فاضل معاصر. (نقل به مضمون). ۷۶

شیخ عباس قمی، نویسنده ی *فوائد رضویه* در احوال علمای مذهب جعفریه، درباره ی وی می گوید:

عالم جلیل و مفسر نبیل و محدث کامل و متبحر فاضل، کشاف دقایق المعانی بفرکه الثاقب و نقاد جواهر الحقایق برآیه الصائب. (نقل به مضمون). ۷۷

استاد حسین درگاهی در بیان توانایی های علمی وی می نویسد:

... تعدادی از آثار او را تصنیفات ادبی تشکیل می دهند و حاشیه های او بر کشف و حاشیه ی شیخ بهایی بر تفسیر *بیضاوی* و خصوصاً مباحث ادبی تفسیر حاضر [کنز الدقایق] بد طولای او را در ادبیات نشان می دهد. ... عمدتاً مجموع آثار او در دو حوزه ی ادبی و روایی قرار دارند و اوج این ترکیب در او، در بزرگ ترین اثر او یعنی تفسیر بروز کرده است. ۷۸

وفات

وفات میرزا محمد مشهدی پس از ۱۱۰۷ است، زیرا می دانیم در همین سال محقق خوانساری، تقریظ خود را بر تفسیر میرزا محمد نوشته است. ۷۹
 برخی گفته اند: میرزا محمد پس از حمله ی افغانه در سال ۱۱۳۵ به اصفهان از دنیا رفته، و همان جا دفن شده است.
 خراسانی می گوید:

از جمله علمای خراسان که در اصفهان مدفون است، محمدبن محمدرضا قمی، صاحب تفسیر کنز الدقایق است. ۸۰

استاد محمدرضا حسینی در این باره می افزاید:

به نظر می رسد میرزا محمد مشهدی، پس از اتمام نگارش تفسیر کنز الدقایق به اصفهان رفته و تفسیر خویش را با خود برده، تا آن را بر علما عرضه کند. از جمله ی علما، علامه ی مجلسی بود که در ۱۱۰۲ بر این تفسیر، تقریظ نوشت. هم چنین آقا جمال الدین خوانساری در ۱۱۰۷ بر این تفسیر، تقریظ نوشت. میرزا محمد مشهدی پس از این سال ها در اصفهان ماند و گویا با سلطان سلیمان (م ۱۱۰۵) و پس از او سلطان حسین صفوی (۱۱۰۶-۱۱۳۵) ارتباط برقرار کرد و برخی از تألیفات خود را به آن دو اهدا نمود؛ از این رو بعید نیست وی تا زمان حمله ی افغانه (۱۱۳۵) در اصفهان مانده، و در همان واقعه به قتل رسیده باشد. ۸۱

۱. محمد هادی معرفت، مقدمه ی تفسیر کنز الدقایق/ ۱۶، قم: انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین، ۱۴۰۷.
۲. تراثنا، ش ۲۵. در نگارش این مقاله، از نگاهشسته استاد جلالی حسینی بهره ی بسیار برده ایم. (شکراً لله سعید).
۳. مقدمه ی کتاب انجاح المطالب و نیز کاشف الغمّه و کنز الدقایق.
۴. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ۴۰۸/۹، به نقل از استاد محمدرضا جلالی در مجله ی تراثنا، ش ۲۵.
۵. کنز الدقایق/ ۱۶۰.
۶. سته ضروریه، نسخه ی آستان قدس رضوی، ش ۱۴۳.
۷. اعیان الشیعه، ۴۰۸/۹.
۸. شیخ آغاز بزرگ تهرانی، کواکب المنتره/ ۱۹۴ و ۲۰۸، به نقل از تراثنا، ش ۱۳۳/۲۵.
۹. شیخ حرعاملی امل الآمل، ۲/۲۷۲ و فوائد الرضویه/ ۵۳۴.
۱۰. شیخ عباس قمی، فوائد الرضویه/ ۶۱۸.
۱۱. ریاض العلماء، ۴/۱۴۵ و روضات الجنات، ۴/۳۱۹.
۱۲. مصفی المقال/ ۱۷۹.
۱۳. تراثنا، ش ۱۲۶/۲۵.
۱۴. فهرست کتابخانه ی ملک تهران، ۵/۱۷۷-۱۷۸، به نقل از تراثنا، ش ۲۵.
۱۵. الكواکب المنتره/ ۸۶.
۱۶. همان، ۸/.
۱۷. تراثنا، ش ۱۳۰/۲۵.
۱۸. همان.
۱۹. الكواکب المنتره/ ۱۱۵.
۲۰. روضات الجنات، ۷/۱۱۱.



۲۱. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقایق/ ۱۰، قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۲۲. همان.
۲۳. فوائد الرضویه/ ۶۱۸.
۲۴. تراثنا، ش ۱۳۷/۲۵.
۲۵. اعیان الشیعه، ۴۰۸/۹.
۲۶. آغا بزگ تهرانی الذریعه، ۱۵۲/۱۸.
۲۷. همان، ۱۳۶/۲۳.
۲۸. مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۰/۱۰۲.
۲۹. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقایق، چاپ وزارت ارشاد.
۳۰. تراثنا، ش ۱۳۷/۲۵.
۳۱. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقائق/ ۱۶.
۳۲. همان.
۳۳. الذریعه، ۳۶۴/۲، ۱۳۷/۲۳.
۳۴. امل‌الآمل، ۲۷۲/۲.
۳۵. روضات الجنات، ۱۱۱/۷.
۳۶. الفوائد الرضویه/ ۶۱۸.
۳۷. فهرست کتابخانه‌ی مجلس، ۷۰۴/۹.
۳۸. تراثنا، ش ۱۴۶/۲۵.
۳۹. الذریعه، ۱۷۴/۲ و ۴۰/۲۵.
۴۰. فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، شماره‌ی ۱۳۶۵؛ الکوکب المنتشره/ ۲۰۸.
۴۱. الذریعه، ۱۷۴/۲۱.
۴۲. تراثنا، ش ۱۵۴/۲۵.
۴۳. الذریعه، ۳۰۷/۱۳.
۴۴. همان/ ۳۵۶.
۴۵. همان، ۱۶/۳۲۳، ۱۳/۱۴۵ و ۴/۱۶۹.
۴۶. الکوکب المنتشره/ ۲۰۸.
۴۷. اعیان الشیعه، ۴۰۷/۹.
۴۸. فوائد الرضویه/ ۶۱۸.
۴۹. ریحانة الادب، ۳۲۰/۵.
۵۰. الذریعه، ۱۷۵/۵.
۵۱. همان، ۱۲/۲۲۰؛ الکوکب المنتشره/ ۲۰۸.
۵۲. الذریعه، ۴۶/۶.
۵۳. اعیان الشیعه، ۴۰۸/۹.
۵۴. همان.
۵۵. الذریعه، ۱۵۲/۱۸.
۵۶. بحار الانوار، ۱۰۰/۱۰۲.
۵۷. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقایق/ ۱۲.
۵۸. فوائد الرضویه/ ۶۱۸.
۵۹. روضات الجنات، ۱۱۰/۷.
۶۰. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقایق/ ۲۰، قم: انتشارات اسلامی.
۶۱. ریحانة الادب، ۳۲۰/۵.
۶۲. منتخب التواریخ/ ۶۴۱ و ۶۷۹.
۶۳. نسخه‌ی خطی شماره ۹۴۳۹ کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.
۶۴. مقدمه‌ی بحار الانوار، ۲۸/۱.
۶۴. ایضاح المکنون، ۳۸۵/۲.
۶۵. تراثنا، ش ۱۵۲/۲۵.
۶۶. تراثنا، ش ۱۳۵/۲۵؛ الکوکب المنتشره/ ۱۶۹.
۶۷. مقدمه‌ی تفسیر کنز العرفان/ ۳۷-۳۸، تهران: وزارت ارشاد.
۶۸. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقایق/ ۲۴.
۶۹. نسخه‌ی خطی شماره ۹۴۳۸ و ۹۴۳۹ آستان قدس رضوی.
۷۰. شماره‌ی ۱۴۳ کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.
۷۱. روضات الجنات، ۱۴/۴.
۷۲. همان، ۱۱۰/۷.
۷۳. بحار الانوار، ۱۰۰/۱۰۲.
۷۴. ریحانة الادب، ۳۲۰/۵.
۷۵. امل‌الآمل، ۲۷۲.
۷۶. فوائد الرضویه/ ۶۱۸.
۷۷. مقدمه‌ی تفسیر کنز الدقایق/ ۲۴.
۷۸. تراثنا، ش ۱۳۵/۲۵.
۷۹. فهرست کتابخانه‌ی مشكاة، ۱/۱۸۳.
۸۰. خراسانی، منتخب التواریخ/ ۶۷۹.
۸۱. تراثنا، ش ۱۳۷/۲۵.